

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه

جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای

عنوان:

تأثیر «سیاست تغییر» باراک اوباما بر هژمونی ایالات متحده آمریکا

استاد راهنما:

دکتر داود هرمیداس باوند

استاد مشاور:

دکتر محمد جواد حق شناس

پژوهشگر:

هادی یوسف نیا

بهمن ماه ۱۳۹۱

## تقدیم به

روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم.  
به مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر.  
به همسرم، اسطوره زندگیم، پناه خستگی و امید بودنم.

و به:

آنان که آموختند مرا، تا پیاموزم  
اساتذہ گرامی جناب آقای دکتر داود هرمیداس باوند و دکتر محمد جواد حق شناس

## تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب هادی یوسف نیا دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۹۰۶۶۸۳۰۹۰۰ در رشته مطالعات منطقه ای گرایش آمریکای شمالی که در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان تاثیر «سیاست تغییر» باراک اوباما بر هژمونی ایالات متحده امریکا با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: هادی یوسف نیا

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۸ دانشجوی کارشناسی ارشد **هادی یوسف نیا** از پایان نامه خود دفاع نموده و با

نمره و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کارایات تحقیق	۵
۱-۱- بطن مسئله تحقیق	۶
۲-۱- اهداف تحقیق	۷
۳-۱- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن	۷
۴-۱- سئوالات تحقیق	۷
۵-۱- فرضیه های تحقیق	۸
۶-۱- متغی‌های تحقیق	۸
۷-۱- روش گردآوری داده ها	۹
۸-۱- تعریف مفاهیم	۹
۹-۱- روش تحقیق	۱۱
۱۰-۱- محدوده زمانی و مکانی تحقیق	۱۱
۱۱-۱- بررسی ادبیات موجود	۱۱
۱۲-۱- سازماندهی تحقیق	۱۳
۱۳-۱- محدودیت ها و مشکلات	۱۴
فصل دوم: مبنای نظری تحقیق	۱۵
۱-۲- قدرت برتر:	۱۶
۱-۲-۱- قدرت صریح و آشکار	۱۷
۱-۲-۲- قدرت مطلق و التزامی غیرآشکار	۱۷
۱-۲-۳- قدرت ساختاری	۱۷
۲-۲- هژمونی:	۱۸
۱-۲-۲- رویکرد رئالیسم به هژمونی	۱۸
۲-۲-۲- رویکرد رئالیسم ساختاری به هژمونی	۲۰
۳-۲-۲- رویکرد نئولبرالیسم به هژمونی	۲۳
۴-۲-۲- رویکرد گرامشین به هژمونی	۲۶
۳-۲- چارچوب نظری تحقیق	۳۱

فصل سوم: بررسی تاریخی روند و دوره های تاثیرگذار بر روی هژمونی ایالات متحده امریکا (از

- ۳۷ .....ابتدای جنگ سرد تا ریاست جمهوری باراک اوباما)
- ۳۸ .....۱-۳- روند سیاست خارجی ایالات متحده
- ۴۰ .....۲-۳- دوره جنگ سرد:
- ۴۲ .....۱-۲-۳- هری ترومن
- ۴۸ .....۲-۲-۳- دوایت آیزنهاور
- ۵۳ .....۳-۲-۳- جان اف کندی
- ۵۵ .....۴-۲-۳- لیندون ب جانسون
- ۵۷ .....۵-۲-۳- ریچارد نیکسون
- ۶۲ .....۶-۲-۳- جرال د فور د
- ۶۳ .....۷-۲-۳- جیمی کارتر
- ۶۷ .....۸-۲-۳- رونالد ریگان
- ۷۱ .....۳-۳- دوره بعد از جنگ سرد:
- ۷۲ .....۱-۳-۳- جورج هربرت واکر بوش
- ۷۵ .....۲-۳-۳- بیل کلینتون
- ۸۰ .....۳-۳-۳- جورج دبلیو بوش
- ۸۶ .....فصل چهارم: سیاست های باراک اوباما در حوزه خاورمیانه و آسیای جنوب غرب، تاثیر گذار بر روی هژمونی امریکا ...
- ۸۷ .....۱-۴- خاورمیانه
- ۸۸ .....۱-۱-۴- صلح اسرائیل-فلسطین:
- ۹۲ .....۱-۱-۴- فرصت ها و چالش های اوباما در خصوص صلح اسرائیل-فلسطین
- ۹۳ .....۲-۱-۴- منتقدین سیاست های اوباما در قبال صلح اسرائیل - فلسطین
- ۹۴ .....۲-۱-۴- بهار عرب:
- ۹۵ .....۱-۲-۴- شکل گیری اولیه خیزش های مردمی و واکنش دولت اوباما
- ۹۷ .....۲-۲-۴- حمایت های دولت اوباما از خیزش های مردمی با تاکید بر همکاری بین المللی
- ۹۸ .....۳-۲-۴- ارزیابی اوباما از قواعد حاکم بر منطقه خاورمیانه بعد از ثبات سیاسی
- ۹۹ .....۴-۲-۴- منتقدین سیاست های باراک اوباما در خصوص بهار عرب و موضوع بحرین
- ۱۰۰ .....۵-۲-۴- رویکرد کلی باراک اوباما به بهار عرب

- ۱۰۲ .....عراق-۳-۱-۴
- ۱۰۵ .....افغانستان و پاکستان:۲-۴
- ۱۰۹ .....تغییر استراتژی نظامی.....۱-۲-۴
- ۱۰۹ .....تغییر در مدیریت نظامی افغانستان.....۱-۱-۲-۴
- ۱۱۰ .....بهره برداری بیشتر از ظرفیت های داخلی افغانستان.....۲-۱-۲-۴
- ۱۱۲ .....القاعده هم علت اصلی و هم گزینه اصلی.....۳-۱-۲-۴
- ۱۱۴ .....تشویق هر چه گسترده تر ناتو برای حضور وسیع تر در کنار امریکا در افغانستان.....۲-۲-۴
- ۱۱۵ .....درگیر کردن عمیق تر پاکستان در مسائل افغانستان.....۳-۲-۴
- ۱۱۷ .....چندجانبه گرایی در مواجهه با چالش افغانستان.....۴-۲-۴
- ۱۱۸ .....موافقتنامه مشارکت راهبردی میان ایالات متحده و افغانستان بعنوان دستاوردی اجباری.....۵-۲-۴
- ۱۲۱ .....روسیه.....۳-۴
- ۱۲۳ .....روابط اروپا-روسیه و نگرانی های امریکا.....۱-۳-۴
- ۱۲۵ .....گسترش ناتو.....۲-۳-۴
- فصل پنجم: سیاست های باراک اوباما در حوزه های اروپا، قاره امریکا و آسیا-پاسفیک تاثیرگذار بر روی هژمونی امریکا ۱۲۶**
- ۱۲۷ .....اروپا:.....۱-۱-۵
- ۱۲۹ .....روابط اقتصادی.....۱-۱-۵
- ۱۳۰ .....همگرایی دولت اوباما و اروپا در خصوص موضوع ایران.....۲-۱-۵
- ۱۳۱ .....همگرایی دولت اوباما و اروپا در خصوص موضوع افغانستان.....۳-۱-۵
- ۱۳۲ .....اقدامات ضد تروریستی.....۶-۱-۵
- ۱۳۳ .....آمریکای شمالی:.....۲-۵
- ۱۳۳ .....رویکرد همگرایانه دولت اوباما با کانادا.....۱-۲-۵
- ۱۳۶ .....رویکرد همگرایانه دولت اوباما با مکزیک.....۲-۲-۵
- ۱۳۷ .....اوباما و توسعه روابط بیشتر با آمریکای شمالی.....۳-۲-۵
- ۱۳۹ .....آمریکای شمالی و موافقتنامه پیشنهادی «مشارکت آسیا - پاسفیک».....۴-۲-۵
- ۱۴۰ .....آمریکای لاتین و کارائیب:.....۳-۵
- ۱۴۰ .....دولت اوباما و اولویت های منطقه.....۱-۳-۵
- ۱۴۳ .....روابط ایران و آمریکای لاتین.....۳-۳-۵



- ۱۴۴ ..... ۴-۵- آسیا - پاسیفیک:
- ۱۴۷ ..... ۱-۴-۵- ابعاد نظامی سیاست «ثقل گرایی به آسیا- پاسیفیک».
- ۱۵۱ ..... ۲-۴-۵- ابعاد دیپلماتیکی سیاست «ثقل گرایی به آسیا- پاسیفیک».
- ۱۵۳ ..... ۳-۴-۵- ابعاد اقتصادی سیاست «ثقل گرایی به آسیا- پاسیفیک».
- ۱۵۸ ..... ۴-۴-۵- چین بعنوان متغیر اصلی تاثیرگذار بر سیاست «ثقل گرایی به آسیا- پاسیفیک».
- ۱۶۳ ..... فصل ششم: نتیجه گیری.
- ۱۶۴ ..... ۱-۶- جورج دبلیو بوش و کاهش مشروعیت هژمونی امریکا.
- ۱۶۵ ..... ۲-۶- باراک اوباما و «سیاست تغییر».
- ۱۶۹ ..... ۳-۶- چندجانبه گرایی دولت اوباما:
- ۱۶۹ ..... ۱-۳-۶- چندجانبه گرایی در حوزه نظامی و کاربرد محدود و احتیاط آمیز قدرت سخت».
- ۱۷۱ ..... ۲-۳-۶- چندجانبه گرایی در حوزه سیاسی.
- ۱۷۳ ..... ۳-۳-۶- چندجانبه گرایی در حوزه اقتصادی و تاکید بر عنصر اقتصاد.
- ۱۷۶ ..... ۴-۶- نتیجه گیری
- ۱۷۸ ..... ۵-۶- چشم اندازهای سیاست خارجی ایالات متحده امریکا:
- ۱۷۸ ..... ۱-۵-۶- صلح اسرائیل- فلسطین
- ۱۷۹ ..... ۲-۵-۶- بهار عرب
- ۱۸۰ ..... ۳-۵-۶- چین
- ۱۸۱ ..... ۴-۵-۶- خاورمیانه.
- ۱۸۲ ..... ۵-۵-۶- اروپا
- ۱۸۳ ..... ۶-۵-۶- روسیه
- ۱۸۴ ..... ۷-۵-۶- دکترین اوباما و کاهش هزینه های دولت فدرال
- ۱۸۵ ..... ۸-۵-۶- آینده نظام بین الملل.
- ۱۸۵ ..... ۶-۶- ارائه پیشنهادها و راه کارها
- ۱۸۷ ..... ۷-۶- پیشنهادهای تحقیقی
- ۱۸۸ ..... ۸-۶- منابع

## فهرست جدول ها

- ۲-۵- ملاقات وزرای امور خارجه امريکا از کشورهاي خارجي بصورت منطقه ای..... ۱۵۱
- ۳-۵- میزان صادرات و واردات ایالات متحده از مناطق مختلف..... ۱۵۵
- ۲-۶- میزان اعتماد مردم کشورهای مختلف جهان به اوباما..... ۱۶۷
- ۳-۶- «سیاست تغییر» اوباما و تاثیر آن بر روی هژمونی ایالات متحده آمریکا..... ۱۷۵
- ۴-۶- پیشنهادات در حوزه سیاست داخلی و سیاست های منطقه ای و خارجي..... ۱۸۶

## مقدمه:

دنیا شاهد ظهور قدرت های بزرگ و تسلط آنها بر ساختار جهانی بوده است . شارل پنجم، لویی چهاردهم، ناپلئون اول، هیتلر و ... هر کدام بعنوان قدرت هژمون بوده و نوعی واکنش منفی را ایجاد کرده اند که افق ژئوپلتیکی را تغییر داده است (ایکنبری، ۱۳۸۲، ۷). امروز ایالات متحده بعنوان قدرت هژمون<sup>۱</sup> و نظم دهنده سیستم می باشد. تفوق و سلطه قدرت آمریکای امروز در تاریخ مدرن بی سابقه است. هیچ قدرت بزرگ دیگری چنین قابلیت های شگرف نظامی، اقتصادی، فنی، فرهنگی و سیاسی نداشته است. سایر کشورها هر یک از برخی جهات با آمریکا رقابت می ورزند ، اما ویژگی های چندجانبه بودن قدرت آمریکا است که آن را چنین سلطه جو، تاثیر گذار و تحریک کننده می نماید (همان منبع، ۱۷). فروپاشی ناگهانی اتحاد شوروی و سقوط ایدئولوژی رقیب موجب سر بر آوردن یک نظام تک قطبی آمریکایی پس از جنگ سرد شد. در نخستین ماه های ریاست جمه‌وری جورج دبلیو بوش، عواقب سیاسی ناشی از وجود یک ابرقدرت واحد کاملاً روشن و واضح بود . بدین معنی که این کشور می توانست خود را از معاهدات و موافقت نامه هایی که با کشورهای دیگر امضاء کرده بود کنار کشد و لطمه کمتری نسبت به طرفین دیگر این معاهدات متحمل شود . برخی از این پیمان ها عبارتند از : پروتکل کیوتو، دیوان بین المللی رسیدگی به جنایات، منع تسلیحات میکروبی و پیمان تسلیحات سبک (همان منبع، ۱۹). حادثه ۱۱ سپتامبر ، محاسبات و به همراه آن مسیر سیاست خارجی ایالات متحده را تغییر داد. مبارزه بر علیه تروریسم نه فقط یکی از اولویت ها گردید بلکه بعنوان تنها اولویت مطرح شد. بوش حادثه ۱۱ سپتامبر را نه فقط یک عمل مخوف، بلکه بعنوان یک تهدید موجودیتی همتراز با آلمان نازی و اتحاد شوروی، قلمداد کرد . جنگ بوش بر علیه تروریسم بر پایه ۵ فرضیه بود:

(۱) برتری جهانی آمریکا، بویژه برتری نظام ی این کشور، یک قدرت و توانایی بی سابقه ای را بمنظور جنگ در خارج از فضای کشور آمریکا می دهد.

---

<sup>۱</sup> . Hegemon

(۲) بی میلی واشنگتن در دو دهه گذشته در خصوص دادن پاسخ نظامی به حملات تروریستی باعث تشویق القاعده و هم کیشان آن برای انجام این حادثه تروریستی گردید.

(۳) دکترین جنگ سرد مبنی بر بازدارندگی و مهار، در زمینه تروریسم کاربرد ندارد.

(۴) تروریست ها قادر به انجام عملیات بدون حمایت کشوری از آنها نیستند.

(۵) اتحادیه ها و سازمان های چندجانبه ممکن است بعضی اوقات آمریکا را از لحاظ مالی برای جنگ بر علیه تروریسم کمک نمایند، اما آنها ضروری نمی باشند (M.lindsay, 2011, 765-779).

برتری و تفوق قدرت هژمونیک نسبت به سایر قدرت ها و بازیگران، ممکن است موجب غفلت، غرور و همچنین مطلق انگاری قدرت برتر شود و به ظهور و بروز چالش های مختلف برای دولت هژمون بیانجامد.

قدرت هژمون آمریکا در دوران جورج دبلیو بوش، دچار چالش های اساسی شد. ریشه چالش ها را می توان در برنامه های راهبردی امنیت ملی بوش که متضمن «یکجانبه گرایی»<sup>۱</sup>، «اتکا به دخالت نیروی نظامی» و «جنگ پیشدستانه»<sup>۲</sup> برای حل معضلات و مشکلات مربوط بود، جستجو کرد (قریب، ۱۳۹۰، ۴۸). مولفه های سه گانه ذکر شده موجب کاهش فراوان ضریب مشروعیت قدرت آمریکا و همچنین سلب اعتماد جهانیان شد. اقدامات نظامی بوش در عراق که اوج تبلور دکترین امنیت ملی وی محسوب می شود، موجی از مخالفت های جهانی را علیه قدرت هژمونیک آمریکا بوجود آورد و چالش های اساسی را برای آن کشور فراهم ساخت. اتخاذ خط مشی یکجانبه گرایی، حتی در اروپا که از متحدان سنتی آمریکا محسوب می شود، مورد انتقادهای جدی قرار گرفت (Coat, 2004).

بدون تردید پارادایم ۱۱ سپتامبر به واسطه ظهور ایالات متحده به عنوان هژمون سلطه گر و رویکرد نوین قدرت، دارای پیامدهای جدیدی در نظام بین الملل بود و به دگرگونی معانی و مفاهیم امنیت از بُعد کلان آن در نگرش آمریکا منجر شد (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ۷۰). در این نوع مفهوم از امنیت جورج دبلیو بوش بر اساس استراتژی امنیت ملی اش در نظر داشت صلح جهانی را از طریق حذف دیکتاتورها و ایجاد جوامع باز و دمکراتیک برقرار سازد. جورج دبلیو بوش با این اقدام جهان سیاست

<sup>۱</sup>. unilateralism

<sup>۲</sup>. Preemptive War

را وارد مرحله تازه ای ساخت و در راستای اهداف و خواسته های ژئوپلتیک، مفهوم «تغییر رژیم در یک کشور توسط کشور دیگر» و نیز مفهوم «جنگ پیشگیرانه» را تبیین و تفهیم نمود، بر این اساس، درک جورج دبلیو بوش از امنیت بر مفهوم سنتی آن یعنی قدرت نظامی تاکید دارد (آیتی، ۱۳۸۳، ۲۹۸).

باراک اوباما با بهره برداری از سرخوردگی عمومی در خصوص جنگ عراق و سیاست خارجی آمریکا و با رد نمودن اصول اصلی دیدگاه جهانی بوش، بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری مطرح گردید (M.lindsay, 2011, 765-779). اوباما معتقد بود آمریکا نیازمند یک سیاست خارجی نوین مبتنی بر طرح های ابتکاری است که نیروی نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی آمریکا را همزمان بکار گیرد. باراک اوباما برنامه تغییر را بعنوان محور اصلی سیاست خارجی ایالات متحده مطرح نمود. یکی از اهداف اصلی «سیاست تغییر»<sup>۱</sup> اوباما را می توان در راستای پاسخ به چالش های دوران بوش که نسبت به قدرت هژمونیک آمریکا ایجاد شده بود و همچنین بازسازی مشروعیت قدرت آمریکا و جلب اعتماد جهانی مورد ارزیابی قرار داد. اوباما تلاش نمود که قدرت هژمونی آمریکا را با چهره ای مسالمت جویانه و صلح دوستانه از قدرت نشان دهد (قریب، ۱۳۸۹، ۵۰). همانگونه که به اعتقاد، ارنست اوتو چمپیل<sup>۲</sup>: «هژمونی می تواند در پشت چهره ای مصالحه گر پنهان شود» (ایکنبری، ۱۳۸۲، ۳۸۱). در اینجا هژمونی دارای دو وجهه می باشد بدینگونه که هر گاه قابلیت و ظرفیت توزیع قدرت از سوی دولت هژمون، همراه با، توجه به منافع دیگران اعمال شود، نقش «رهبری» را برای دولت هژمون تثبیت می کند (keohane, 1989, 136) و منجر به پایداری هژمون می گردد و هرگاه دولت هژمون با رفتارهای یکجانبه گرایانه خود، نتواند به منافع دیگران و سایر قدرت ها توجه کند و در کسب اعتماد آنها دارای دستاوردهای مناسبی نباشد، هژمون «سلطه گر» نامیده می شود (Ibid, 136) و منجر به ناپایداری هژمون می گردد. بنابراین تاکید دولت اوباما در چارچوب «سیاست تغییر» بر هژمون رهبر می باشد. از سویی دیگر «سیاست تغییر» اوباما نشانه درک

<sup>۱</sup>. Change Policy

<sup>۲</sup>. Ernst-otto cempel

متفاوت وی از مفهوم امنیت در مقایسه با جورج دبلیو بوش است. باراک اوباما با اعتقاد به اینکه برتری قدرت نظامی دال بر هژمونی نمی باشد و امروزه مفهوم امنیت در یک دنیای جهانی شده با ویژگی وابستگی متقابل پیچیده دچار دگرگونی شده است و قدرت های بزرگ در رقابت و حتی تضاد جدید در کسب بازارهای جهانی و منابع اقتصادی با یکدیگر قرار دارند و از این طریق جایگاه قدرت خود را در ساختار بین الملل تثبیت و گسترش می دهند، بدنبال این بود تا امنیت ملی ایالات متحده را با محوریت اقتصادی پاس بدارد.

حال سوال این است که آیا «سیاست تغییر» اوباما ، منجر به تقویت هژمونی ایالات متحده گردیده و یا در مقابل باعث تعدیل هژمونی این ابرقدرت شده است.

فصل اوّل

# کلیّات تحقیق

#### ۱ ۴ - بیان مسئله تحقیق:

شرایط حاکم بر ساختار نظام بین الملل و نقش ایالات متحده بعنوان نظم دهنده سیستم می تواند یک دلیل برجسته بمنظور بررسی علمی سیاست های اعمالی روسای جمهور این کشور در دوره های مختلف باشد. با توجه به اینکه یکی از شعارهای مهم و اساسی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری «سیاست تغییر» بود بنابراین سوالی که این تحقیق در پی پاسخ به آن می باشد این است که «سیاست تغییر» اوباما چه تاثیری بر روی هژمونی ایالات متحده داشته است؟ آیا این سیاست ها موجب تقویت یا افول هژمونی این کشور گردیده است؟

مفروضه اصلی تحقیق بر پایه وجود نظام تک قطبی و قدرت هژمونیک آمریکا بعد از پایان جنگ سرد که از اوایل دهه ۱۹۹۰ در عرصه روابط بین الملل آغاز شده است، استوار است. برای پاسخ به این سوال طبیعی است که در ابتدا مبنای نظری هژمونی در ساختار نظام بین الملل با تاکید بر رویکرد گرامشین و رویکرد نئولیبرالیسم به هژمونی مورد بحث قرار می گیرد. در ادامه به بررسی روندهای سیاست خارجی آمریکا و همچنین بررسی تاریخی سیاست های روسای جمهور ایالات متحده تاثیرگذار بر روی هژمونی این کشور از ابتدای جنگ سرد تا ریاست جمهوری باراک اوباما پرداخته می شود. سپس عملکرد دولت اوباما در حوزه های برجسته سیاست خارجی از قبیل خاورمیانه، اتحادیه اروپا، قاره آمریکا و آسی-پاسیفیک مورد بررسی و واکاوی قرار می گیرد. در پایان با مدنظر قرار داد شرایط حاکم بر محیط بین الملل از سویی و همچنین چالش های گسترده و فرصت های موجود در ابتدای به قدرت رسیدن اوباما از سویی دیگر، به میزان تاثیر سیاست "تغییر" باراک اوباما در کسب منافع ملی حداکثری ایالات متحده و در نتیجه تقویت هژمونی این کشور پرداخته می شود.



#### ۱ ۴ - اهداف تحقیق:

پس از پایان جنگ سرد به زعم بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی ، اصل نظم دهنده و یا سازمان دهنده واحدها در نظام بین الملل تغییر کرده است و همین امر موجب شده که ساختار نظام بین الملل نیز به ساختار «تک قطبی» تغییر یابد. قدرت هژمونیک ایالات متحده امریکا در ابعاد مختلف نقش این کشور را بعنوان نظم دهنده سیستم بین الملل برجسته نموده است . در مباحث مربوط به هژمونی نکته بسیار ظریفی وجود دارد که رعایت یا رعایت نکردن آن، نحوه پایداری ، تداوم و همچنین ماهیت آن را تحت تاثیر قرار می دهد و آن این می باشد که هر چند قدرت هژمونی مبتنی بر برتری و تفوق است، اما باید همراه با پذیرش و رضایت و همچنین احساس بر خورداری از منافع مشترک از سوی متحدان مربوطه و سایر بازیگران باشد. از این رو اینجانب با واکاوی سیاست "تغییر" اوباما در حوزه های مختلف بدنبال دستیابی به یک نتیجه راه گشا در خصوص اندازه گیری میزان تقویت و افول قدرت هژمونیک امریکا در طول این دوره می باشم و اهمیت این نتیجه گیری از آنجا ناشی می شود که تغییر وضعیت اصل نظم دهنده و یا سازمان دهنده واحدها، گویای تغییر ساختارهاست که رفتارهای بازیگران و دولت ها را نیز دچار تغییر می کند.

#### ۱ ۴ - اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

شرایط حاکم بر ساختار نظام بین الملل و نقش ایالات متحده بعنوان نظم دهنده سیستم اینجانب را بر این داشت تا با بررسی سیاست های باراک اوباما و واکاوی دستاوردها و ناکامی های حاصله به یک نتیجه راه گشا در خصوص میزان تقویت و افول هژمونی ایالات متحده دست یابم . با توجه به محدوده زمانی موضوع تحقیق (۲۰۰۸-۲۰۱۲) این پژوهش می تواند بعنوان موضوع جدیدی که تاکنون بصورت جامع به آن پرداخته نشده است مورد بهره برداری قرار بگیرد.

#### ۱ ۴ - سوالات تحقیق:

۱-۴-۱ سؤال اصلی:

❖ سیاست "تغییر" باراک اوباما چه تاثیری بر هژمونی ایالات متحده آمریکا داشته است؟

۱-۴-۲- سوال های فرعی:

❖ هژمونی ایالات متحده امریکا با چه تئوری هایی قابل تبیین و ارزیابی می باشد؟

❖ شکل گیری هژمونی ایالات متحده بعد از جنگ جهانی دوم چگونه بوده است؟

❖ تداوم هژمونی ایالات متحده بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چگونه بوده است؟

۱ ۵ - فرضیه های تحقیق:

۱-۵-۱ فرضیه اصلی:

سیاست "تغییر" باراک اوباما در حوزه سیاست خارجی با توسل به چندجانبه گرایی و کاهش هزینه های اعمال سیاست ها و همچنین با عدم چالش با قدرت های بزرگ، منجر به تقویت هژمونی ایالات متحده گردیده است.

۱-۵-۲- فرضیه رقیب:

ساختارهای سیاسی و اقتصادی پیچیده آمریکا که تحت تاثیر سازمان ها، مقررات و لابی های متعددی می باشد از سویی و شرایط حاکم بر محیط بین الملل از سویی دیگر موجب ناکا می سیاست تغییر اوباما و در نتیجه تعدیل هژمونی ایالات متحده گردیده است.

۱ ۶ - متغیرهای تحقیق:

۱-۶-۱- متغیر مستقل:

سیاست تغییر باراک اوباما

۱-۶-۲- متغیر وابسته:

هژمونی ایالات متحده آمریکا

## ۱-۴ - روش های گردآوری داده ها:

در گردآوری مطالب از منابع اولیه و ثانویه استفاده شده است. منابع اولیه شامل بهره گیری از نظریات دانشمندان، اساتید و تحلیل گران می باشد. منابع ثانویه نیز اسناد، مقالات، کتب و منابع اینترنتی که به زبان های فارسی و انگلیسی موجود است، می باشد.

## ۱-۸ - تعریف مفاهیم:

هر تحقیقی بر پایه مفهومی استوار است و پژوهش بر محور آن شکل می گیرد که البته در علوم انسانی دارای تعریف یکسان نمی باشد. پس بر اساس نیاز، از میان مفاهیم اصلی پژوهش حاضر، جامع ترین آن را به صورت ذیل بیان می کنم.

### ۱-۸-۱- نظام بین الملل:

نظام مجموعه ای از اجزا و یا واحدهاست که دارای اندر کنش<sup>۱</sup> هستند و یک مجموعه را تشکیل می دهند. نظام در روابط بین الملل بر مجموعه ای از متغیرها دلالت دارد که در کنش متقابل با یکدیگر هستند (دوئرتی و فالترگراف، ۱۳۷۳، ۱۴۳).

### ۱-۸-۲- ساختار:

هر نظام، مرکب از یک ساختار و واحدهای متعامل است. ساختار با تعامل واحدها شکل می گیرد، اما پس از آن، رفتار واحدها را تعیین می کند، ساختار متغیر واسطه میان نظام و بازیگران است و بیانگر نحوه نظم و ترتیب واحدها و اجزا در یک نظام می باشد (Waltz, 1979, 88).

---

<sup>1</sup>. interaction

### ۱-۸-۳- هژمونی:

هژمونی وضعیتی است که یک دولت، قدرت کافی برای حفظ قواعد حاکم بر روابط بین‌الدولی و اراده انجام این کار را دارد (Keohane and Nye, 1977, 44) در مباحث مربوط به قدرت هژمونیک نکته بسیار ظریفی وجود دارد که رعایت یا رعایت نکردن آن، نحوه پایداری، تداوم و همچنین ماهیت آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هژمونی متکی بر دو اصل الف- قابلیت و توانایی (به عنوان شرط لازم) ب- قبول و پذیرش دیگر بازیگران (به عنوان شرط کافی) (Gilpin, 1981, 63) در اینجا هژمونی دارای دو وجهه می‌باشد بدینگونه که هر گاه قابلیت و ظرفیت توزیع قدرت از سوی دولت هژمون، همراه با، توجه به منافع دیگران اعمال شود، نقش «رهبری» را برای دولت هژمون تثبیت می‌کند (keohane, 1989, 136) و منجر به پایداری هژمون می‌گردد. و هرگاه دولت هژمون با رفتارهای یکجانبه گرایانه خود، نتواند به منافع دیگران و سایر قدرت‌های توجه کند و در کسب اعتماد آنها دارای دستاوردهای مناسبی نباشد، هژمون «سلطه‌گر» نامیده می‌شود (Ibid, 136) و منجر به ناپایداری هژمون می‌گردد.

### ۱-۸-۴- «سیاست تغییر»:

دکترین جدید اوباما که مبتنی بر چندجانبه‌گرایی، تاکید بر اقتصاد و ظرفیت‌سازی نوین منطقه‌ای می‌باشد. باید توجه داشت که تغییر، لزوماً در بافت مادی قدرت صورت نمی‌گیرد، بلکه برای کشوری مانند ایالات متحده، حتی اگر در سطح گفتمان باشد، موضوع مهمی است که نباید آن را دستکم گرفت زیرا این مسئله می‌تواند اثرات بسیار عمیقی بر «تغییر» عناصر مادی و مفهومی قدرت داشته باشد.

### ۱-۸-۵- سیاست خارجی:

سیاست خارجی یک راهبرد یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده است که توسط تصمی‌م‌گیرندگان یک کشور با هدف تأمین منافع ملی در محیط بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد (خوشوقت، ۱۳۷۵، ۱۴۵).